

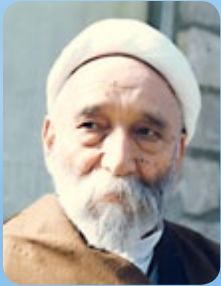


مجله مجنون نور

شماره ۲۰۰

خبری، تحلیلی، فرهنگی / سال اول - آذر ۹۰

گفت‌وگوی اختصاصی با
حضرت آقای مجذوب‌علیشاه
سلوک عرفانی در دوره‌ی مدرن
(بخش دوم)



سال روز ولادت حاج سلطانحسین
تابنده رضاعلیشاه

فاز جدید تقابل نور و ظلمت

عرفان و انسان مدرن
جامعه و دین‌گریزی
فشار به مطبوعات در ایران
موج تازه تحریم‌ها پیش‌بینی انزوای بی‌سابقه

ابراز نگرانی خانواده‌های وکلا و مدیران
سایت مجذوبان نور پس از اولین ملاقات
تیراندازی لباس شخصی‌ها به سوی دو درویش در کوار
صدور قرار ۵۰۰ میلیون تومانی وثیقه
برای امیر اسلامی وکیل در اویش گنابادی
انتقال مصطفی دانشجو وکیل
در اویش گنابادی به بند عمومی زندان اوین

بیت الله

این بار سال روز ولادت حاج سلطانه حسین تابنده رضاعلیشاه برگه های تقویم تاریخ را مزین کرد چرا که زاد روز شمسی و همچنین قمری ایشان، در چند روز اخیر واقع گشت، به همین جهت ما نیز از این حسن اتفاق بهره جسته و خلاصه ای از شرح حال مبارکشان را مرور می کنیم

حاج سلطانه حسین تابنده رضاعلیشاه فرزند ارشد حضرت صالحعلیشاه ملقب به فضل الله در ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۲ قمری مطابق با ۲۵ آبان ۱۲۹۳ شمسی پا به عرصه وجود گذاشتند. پس از تحصیلات مقدماتی در بیدخت نزد پدر بزرگوار خود و سایر مدرّسین محلی، در سال ۱۳۱۰ شمسی به امر حضرت صالحعلیشاه به اصفهان مسافرت کردند و موفق به اخذ اجازه روایت شدند. پس از ۵ سال توقف در اصفهان به تهران آمدند و وارد دانشکده معقول و منقول شدند و همزمان در دانشسرای عالی مشغول تحصیل گردیدند و در سال ۱۳۵۸ قمری موفق به اخذ گواهینامه لیسانس می شوند. سپس به دستور پدر بزرگوار خود به گناباد تشریف برده و در ظل تربیت ایشان به ریاضت و تصفیه روح پرداختند و در ۱۵ شعبان سال ۱۳۶۹ به اجازه اقامه جماعت و تلقین اوراد و اذکار لسانی نائل گردیدند و در ۱۱ ذیقعدۀ الحرام همان سال مأذون به ارشاد طالبین و دستگیری با لقب رضاعلی شدند تا اینکه در ذیقعدۀ سال ۱۳۷۹ قمری به جانشینی حضرت صالحعلیشاه با لقب رضاعلیشاه معین گردیدند.



حضرتش مسافرت های متعددی به کشورهای افغانستان و پاکستان و هندوستان و ممالک مختلف عربی و مصر و فلسطین و کشورهای اروپایی داشتند و چند سفر به بیت الله الحرام تشریف بردند. ایشان در هر سفر با علمای اعلام و مراجع تقلید ملاقات می کردند در سفری به نجف داشتند، آیت الله حاج شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء پس از مذاکرات مفصل در مسائل غامض فقهی به ایشان اجازه اجتهاد می دهند. علاوه بر این بسیاری دیگر از علماء اعلام درجات اجتهادی به نام ایشان صادر نموده اند که از جمله آنها می توان به درجات اجتهاد صادره توسط آیات عظام سید محمد موسوی نجف آبادی، سید مهدی درچه ای، ابوالمجد محمد رضا مسجد شاهی اشاره نمود.

پس از رحلت حضرت صالحعلیشاه به موجب نص صریح، ایشان عهده دار سرپرستی فقرای نعمت الهی سلطانه شاهی شدند و مسند ارشاد به وجود ایشان زیب و زینت یافت.

آقای رضا علیشاه از فضلاء عصر و علماء و محققین زمان خود محسوب می گشت و علاوه بر مقام عالی معنویت و روحانیت در فضائل انسانی و کمالات نفسانی و ملکات فاضله ممتاز و کم نظیر بودند. ایشان عشق و علاقه وافری به مطالعه کتب و تهیه آنها و تألیف و تصنیف داشته و کتب مفیده بسیاری در موضوعات مختلفه مذهبی و اخلاقی و تاریخی به فارسی و عربی

تألیف و تصنیف کرده که بعضی نیز چندین نوبت به چاپ رسیده است. اسامی چندی از کتب تألیفی ایشان که به چاپ رسیده اند بدین قرار است: تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا، رساله خواب مغناطیسی، شرح حال خواجه عبدالله انصاری، ترجمه دعاء ابوحمزه ثمالی، فلسفه فلوطین، نابغه علم و عرفان در قرن چهاردهم هجری، تاریخ و جغرافی گناباد، یادداشتهای سفر به ممالک عربی، خاطرات سفر حج، گردش افغانستان و پاکستان، سفرنامه از گناباد به ژنو، رساله رفع شبهات، رساله رهنمای سعادت، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، قرآن مجید و سه داستان اسرارآمیز عرفانی، ده سخنرانی، تاریخ المختصر فی احوال المعصومین الاربعه عشر (ع)، سه گوهر تابناک از دریای پر فیض کلام الهی. برخی کتب دیگر ایشان همانند سیر تکاملی و حرکت جوهری و کتاب فلسفه ابن رشد و ترجمه کتاب الکشف عن المناهج الادله فی عقاید المله و چندین جنگ خطی و مکتوبات بسیاری از ایشان چاپ نشده باقی مانده است. حضرتش در سحرگاه ۱۱ ربیع الاول ۱۴۱۳ مطابق با ۱۸ شهریور ۱۳۷۱ قالب جسمانی را تهی و به وصال دلدار نائل آمدند. مزار ایشان در بقعه متبرکه سلطانی در بیدخت گناباد می باشد.

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجذوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره اول / آذر ماه ۱۳۹۰

گفتگو

• گفت وگویی اختصاصی با حضرت آقای مجذوبعلیشاه سلوک عرفانی در دوره مدرن (بخش دوم)

اخبار درویش

• ابراز نگرانی خانواده های وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور پس از اولین ملاقات

• بازداشت یک درویش گنابادی در شهرستان کوار

• تیراندازی لباس شخصی ها به سوی دو درویش در کوار

• صدور قرار ۵۰۰ میلیون تومانی وثیقه برای امیر اسلامی وکیل درویش گنابادی

• انتقال مصطفی دانشجو وکیل درویش گنابادی به بند عمومی زندان اوین

مقاله

• فاز جدید تقابل نور و ظلمت

• جامعه و دین گریزی

• عرفان و انسان مدرن

اخبار

• سه نامه از سه منتقد حکومت به رهبر جمهوری اسلامی

• فشار به مطبوعات در ایران

• موج تازه تحریم ها ؛ پیش بینی انزوای بی سابقه

دنیای

جامعه امروز به مدد گسترش راههای ارتباطی با وجود برخی مضیقه ها و موانع در حال عوض شدن است. شاهد تغییر محسوسی در همه زمینه ها از ادبیات محاوره ای جامعه گرفته تا اصول مدیریتی و اقتصادی آن هستیم به شکلی که گسترش این تحولات حتی بر باور ها و الگوهای برخی جوامع نیز اثر گذار بوده است. جامعه درویش گنابادی نیز خارج از این جامعه زندگی نمی کند و متأثر از این تحولات می باشد، همه ما شنیده ایم جمله هایی که از عوض شدن دوره و تغییر حال و هوای امروز جامعه درویش سخن میگوید، از اینکه دیگر حسینییه ها مثل سابق آن حال و هوا را ندارند که بعضا با ابراز تأسف گوینده نیز همراه است. حال تصوف در این جریان چه جایگاهی دارد؟ در سازش با این تحولات است یا در تقابل؟ سوال اساسی تر آنکه آیا تصوف هم ردیف با مدرنیته است یا خیر باید هر کدام را در جایگاهی متفاوت بررسی کرد و در آخر تصوف موثر از این تحولات است یا به عکس اثر گذار بر تحولات روز جامعه می باشد؟

جامعه ی پویا، جامعه ایست که درک مقتضیات زمان خویش را کرده و از تحولات و اثرات آن آگاهی کامل داشته باشد، چنین جامعه ای جایگاه باورها و اعتقادات خود را دانسته و اثر گذاری و اثر پذیری ها را بررسی کرده است. جامعه ای که بر روند تغییر و تحولات ابراز تأسف نخواهد کرد بلکه مقتضیات را شناخته و برای ایجاد آسایش و امنیت اعضای جامعه خود برای رسیدن به جامعه ای پویا و منسجم تلاش می کند. در این شماره علاوه بر انتشار اخبار درویش گنابادی و اخبار روز جامعه، نگاهی کوتاه و گذرا به تاثیرات مدرنیته بر جامعه امروز خواهیم داشت.

مجذوبان نور

توضیح: پس از انتشار شماره نخست هفته نامه مجذوبان نور و با استفاده از نظرات مخاطبان و همکاران تغییراتی در انتشار این مجموعه ایجاد شد. این مجله زین پس با نام "خبرنامه مجذوبان نور" با زمان بندی هر دو هفته یکبار در اختیار مخاطبان آن قرار خواهد گرفت.

یورگن هابرماس فیلسوف و اندیشمند قرن حاضر در تعریف واژه نو و مدرن به یک نوع ارتباط تاریخی با دوره گذشته تاکید دارد. در واقع او مدرن و نوگرایی را این طور معرفی می کند: «آگاهی از وجود الگویی که در گذشته و لازم دانستن گذر از آن.» به این معنی به صرف اینکه بدانیم در گذشته فلان الگو مورد توافق بوده و آن الگو را امروز موافق حال خود ندانیم در دوره مدرن به سر می بریم. طبق این تعریف (البته با صرف نظر از معنی مصطلح مدرنیته که دارای مولفه های خاصی در زندگی امروز است) می توان گفت بشر در طول تاریخ بارها و بارها نوگرایی و مدرن شدن را تجربه کرده، چراکه الگوهای رفتاری، اعتقادی و نحوه تفکر بشر در تاریخ بارها تغییر کرده و بشر مقدم بارها به زیر تیغ نقد بشر موخرش رفته و این روند نوگرایی و نو شدن ادامه نیز خواهد داشت و این که امروز مکتب پست مدرن نیز قد علم کرده و فصلی نو تر را گشوده خود شاهدی بر این تعریف است.

بشر توسط بسیاری از فلاسفه به کودکی تشبیه شده که گویی در دامن تاریخ رشد می کند و متناسب با سن خود خلق و خوی متفاوت می گیرد ولی با این وجود میان انسان از ابتدا تا به امروز مفاهیمی نیز ثابت باقی مانده که باعث شده که انسان در طول میلیون ها سال همواره به نوع خود به عنوان یک موجود واحد نگاه کند و آن مفهوم ثابت به تعبیری فطرت انسانی نامیده می شود، همان بستری که اخلاق و اخلاقیات در متن آن حک شده اند و ثابت و مطلق اند. اگر چه جنجال هایی هم بر متغیر و نسبی بودن این بستر هم شده ولی درک مشابهی که مشترکی که انسان امروز از مفاهیمی مثل عدالت و راستی و خیر و شر با مطالعه همین موارد در متون قدیمی نیکان خود دارد گواهیست بر این ادعا که گل آدمی را بر سبیلی ثابت سرشته اند.

مصاف بین سنت و مدرن در بستر تاریخ در واقع مصاف بین دو حالت و یا دو موقعیت متفاوت نسبت به آن فطرت واحد و ثابت است. و هر تغییر حالی چه متمایل به چپ چه راست، حالتی جدید و مدرن است نسبت به قبل، چراکه با آن شیوه تفکر و عرف زندگی نیز تغییر می کند و عرفان که روح ادیان است و دعوی عجیب بودن با فطرت آدمی را داشته همواره بر آن است که افسار کج شده را به سمت جاده فطرت متمایل کند و برای این که رکود و غفلت و یا کج روی را جبران کند، بشر را به سمت جهت نو و تازه ای سوق میدهد و در واقع دوره جدید و مدرنی شکل میگیرد. عرفان برای این منظور روش های مختلفی را برمی گزیند، گاهی سیره برخورد های تلنگروار و ضربه ای را پیش می گیرد تا آدمی که خمار عادت شده را به هوش آورد و گاهی نیز راه مماشات و نرمی و واکنش استدراجی را انتخاب می کند تا به این طریق طبیعت وحشی شده را رام و اهل سازد. مثال و نمونه برای هر دو مورد در تاریخ بسیار است. مثلاً خداوند، بشر به

عرفان و انسان مدرن

مدرنیته به معنای مصطلح آن که انسان امروز آن را تجربه می کند دارای مولفه های مشخصی است. مولفه هایی مثل انسان گرایی، عقل گرایی، پیشرفت گرایی، فرد گرایی، مادی گرایی و ...

انسان مدرن انسان گراست به این معنی که به خود و قدرت خود بسیار ایمان دارد و نقش خود را تنها موثر بر امور خود می بیند. انسان مدرن امروز به خود بیشتر از خدا ایمان دارد و مسائلی چون ماورا او را فقط برای لحظه ای گنج می کند ولی در گیر نمی کند و آن را به حوزه های آکادمیک کشانده و بعضاً در بوته ی آزمایش قرار داده است. انسان امروز عقل گراست، عقلی که خط کش در کنار هر مفهومی می گذارد و آن را اندازه می گیرد عقلی که بر عکس عقل سنتی گول نمی خورد. نفسی نیست که با آن مقابله کند و نقش نفس در ادبیات مدرنیته تا حد مفهوم عاطفه پایین آورده شده و اثر آن بر عقل تا این حد زیادی کم شده. این انسان آن چنان در گیر پیشرفت است که به هیچ چیز دیگر نمی اندیشد. او می خواهد بهشتی در همین جا بسازد و جهنم یا هر افولی را نه بر می تابد و نه باور دارد. آن چنان سریع و پر شتاب به سوی هدفش حرکت می کند که حاضر نیست لحظه به مسیر هم نگاهی بیندازد. در جامعه مدرن فردیت هر شخص اهمیت پیدا می کند و مفاهیمی مثل قبیله، خانواده، شهر، ملیت رفته رفته رنگ می بازد و بسیاری مختصات دیگر. اما در مقابل عرفان حقیقی در مقابل این انسان با طرح مفاهیمی مثل عقل معاد و عقل ایمانی، انسانی که یک سر سنگ عقل به سینه می زند و مدام عقل می کند را به سوی خود می کشد و متوجه خود می سازد و همچنین از علم صحبت می کند. از تاریخ می گوید، از روان شناسی و بسیاری از مسائل را با آن توضیح می دهد تا خط کش های ذهن انسان امروز را اقناع کند. اما از طرفی دیگر با طرح مساله عشق و حب کم توانی و بی انعطافی همان خط کش های ذهن او را به او می نمایاند. این عرفان با باریک نکردن و محدود نکردن راه، انسان مدرن را با وجود تنوع تفکر و سلیقه فراوان به سوی خود می کشد و آنها را به هم نزدیک و هم دل می کند. با تشویق به مدد به هم نوع و یکی بودن در عمل و در یک کلام بنیان المرصوص بودن، روحیه فرد گرایی را خشک می کند. و به این ترتیب عرفان حقیقی نسخه کاملی برای انسان امروز دارد که با آن بتواند به مسیر فطرت بازگردد.

اما مدرنیته به معنای مصطلح آن که انسان امروز

مدرنیته به معنای مصطلح آن که انسان امروز آن را تجربه می کند دارای مولفه های مشخصی است. مولفه هایی مثل انسان گرایی، عقل گرایی، پیشرفت گرایی، فرد گرایی، مادی گرایی و ...

انسان مدرن انسان گراست به این معنی که به خود و قدرت خود بسیار ایمان دارد و نقش خود را تنها موثر بر امور خود می بیند. انسان مدرن امروز به خود بیشتر از خدا ایمان دارد و مسائلی چون ماورا او را فقط برای لحظه ای گنج می کند ولی در گیر نمی کند و آن را به حوزه های آکادمیک کشانده و بعضاً در بوته ی آزمایش قرار داده است. انسان امروز عقل گراست، عقلی که خط کش در کنار هر مفهومی می گذارد و آن را اندازه می گیرد عقلی که بر عکس عقل سنتی گول نمی خورد. نفسی نیست که با آن مقابله کند و نقش نفس در ادبیات مدرنیته تا حد مفهوم عاطفه پایین آورده شده و اثر آن بر عقل تا این حد زیادی کم شده. این انسان آن چنان در گیر پیشرفت است که به هیچ چیز دیگر نمی اندیشد. او می خواهد بهشتی در همین جا بسازد و جهنم یا هر افولی را نه بر می تابد و نه باور دارد. آن چنان سریع و پر شتاب به سوی هدفش حرکت می کند که حاضر نیست لحظه به مسیر هم نگاهی بیندازد. در جامعه مدرن فردیت هر شخص اهمیت پیدا می کند و مفاهیمی مثل قبیله، خانواده، شهر، ملیت رفته رفته رنگ می بازد و بسیاری مختصات دیگر. اما در مقابل عرفان حقیقی در مقابل این انسان با طرح مفاهیمی مثل عقل معاد و عقل ایمانی، انسانی که یک سر سنگ عقل به سینه می زند و مدام عقل می کند را به سوی خود می کشد و متوجه خود می سازد و همچنین از علم صحبت می کند. از تاریخ می گوید، از روان شناسی و بسیاری از مسائل را با آن توضیح می دهد تا خط کش های ذهن انسان امروز را اقناع کند. اما از طرفی دیگر با طرح مساله عشق و حب کم توانی و بی انعطافی همان خط کش های ذهن او را به او می نمایاند. این عرفان با باریک نکردن و محدود نکردن راه، انسان مدرن را با وجود تنوع تفکر و سلیقه فراوان به سوی خود می کشد و آنها را به هم نزدیک و هم دل می کند. با تشویق به مدد به هم نوع و یکی بودن در عمل و در یک کلام بنیان المرصوص بودن، روحیه فرد گرایی را خشک می کند. و به این ترتیب عرفان حقیقی نسخه کاملی برای انسان امروز دارد که با آن بتواند به مسیر فطرت بازگردد.



صرف به احکام اسلامی و پیاده شدن این احکام برای حکمرانی بر مردم نه خدمت به آنها با نام "اسلام ناب محمدی" جامعه را نه تنها از ظاهر گرایي بلکه از نمادها و سنگ نشان های دین اسلام نیز بیزار و منزجر کرده است. این انزجار تنها محدود به جامعه ایرانی نیست بلکه اعمال همین سیاست در گروه ها و حزب های همسو و هم فکر جمهوری اسلامی سبب شده است که دین اسلام بخصوص مذهب تشیع در جهان با انزوا روبرو شود.

آشکار و پر واضح است که امروز در کوچه و بازار، در بین نسل جوان واکنش به این وضعیت بسیار تندتر و معترضانه تر ادامه دارد، اما سوال اینجاست، آیا تمام این وضعیت فعلی معلول اعمال سیاست حاکمیت و استفاده ابزاری از دین در سیاست است؟ موج مدرنیته که پس از انقلاب در پیشرفت آن در سطح جامعه وقفه ای ایجاد شد و اکنون به مدد عصر ارتباطات راه خود را در جامعه ایرانی باز کرده آیا به این روند و سرعت یافتن آن کمک نکرده است؟

در دوران محمدرضا پهلوی مدرنیته در موسیقی، پوشش و ادبیات و هر آنچه با زندگی و فرهنگ یک جامعه سر و کار دارد تاثیر خود را گذاشت، اما به گواه آنان که در آن دوران زندگی می کردند مسجد کم بود اما مسجد رو زیاد به عکس حالا که مسجد زیاد است و مسجد رو کم. پس دقیقا تاثیر تحولات و تغییرات در جوامع بشری بر یک جامعه تا چه اندازه است و در همین جهت، تاثیر سیاست گذاری های حاکمیت بر یک جامعه چگونه می باشد؟ در اولین گام باید اسلام گریزی امروز جامعه را تحلیل و بررسی کرده تا در یابیم این واکنش در پاسخ به چه کنش و رفتاری است.

همان طور که گفته شد، اسلام گریزی حاصل از ظاهر بینی و ریاکاری مدعیان الگوی بیداری اسلامی است، به شکلی که یک جامعه پس از گذشت یک دوران خفقان سیاسی و آزادی های مدنی که با نام اسلام از آنها گرفته شده و برای بقای قدرت طلبان هزینه می شود، از اسلام و نمادهای دینی بیزاری می جویند تا تفکرات و دیدگاه حقیقی حاکمیت را بی هیچ پرده و حجابی رویت کنند، تفکراتی که صرفا بر بقای یک حکومت پایه گذاری شده است نه برای خدمت و بقای آزادی و رفاه در مملکت. پس اگر با همین دید واکنش جامعه را بنگریم، طبعاً باید در تقبیح آن کمی تامل کنیم زیرا دوری از تظاهر و صورت گرایی نه تنها خلق و خویی ناپسند نیست، بلکه از محسنات یک جامعه می باشد. اما آیا به همین سادگی می توان واکنش جامعه را تحلیل کرد، در این میان تاثیر دنیای بیرون از مرزها بر جامعه چگونه است؟ تاثیر مدرنیته عصر حاضر؟!

روند نوگرایی و به نقد کشیدن تفکرات گذشتگان و تاثیر آن بر جامعه هنوز به صورت مشخصی قابل پیش بینی و بررسی نیست، زیرا فشار حاکمیت و ایجاد خفقان وضعیتی را به وجود آورده است که تمام واکنشهای جامعه یک دست و موثر از یک اعمال یا چند اعمال خاص نیست اما بسته به تاثیر مدرنیته بر جوامع دیگر و همچنین جامعه ایرانی میتوان به شکلی سطحی اما واضح مشاهده تقابل مدرنیته و تفکر صورت گرا و غیر منعطف اسلامی بود، تفکری که نه در این زمان بلکه در گذشته نیز بارها توسط عارفان و روشنفکرانی چون مولوی و حافظ و... تقبیح شده است.

روند مدرنیته در جامعه ادامه دار خواهد ماند همان گونه که از آغاز همین روال طی شده، و هر نسلی نسل گذشته خود را به نقد کشیده است، اما دخالت سیاست در دین و بروز ظاهر گرایی و مجال ارائه دادن الگوی بیداری اسلامی همیشه نخواهد ماند، آن زمان که استفاده ابزاری از دین توسط حکومت به اتمام رسد جامعه به چه سمت و سویی خواهد رفت سوالی است که بی جواب مانده و خواهد ماند، اما آنچه مسلم است، ریا و تظاهر و دکان شدن دین امری نیست که توسط نسلها و یک جامعه برای همیشه مورد قبول و اطاعت باشد.



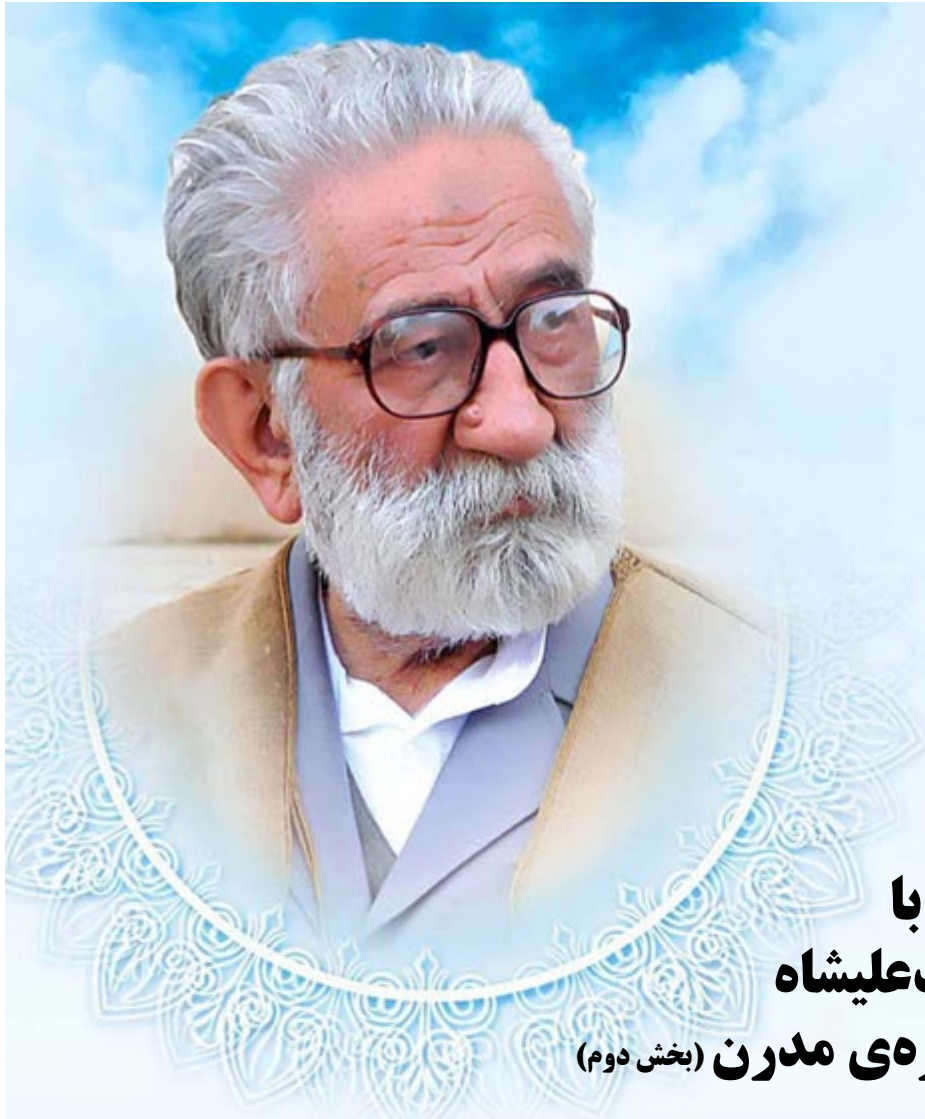
جامعه و دین گریزی

برای من و هم نسلان من واژه ی اسلام ناب محمدی عبارتی غریب نیست، واژه ای که شاید اول بار به صورت رسمی از سوی آیت الله خمینی رهبر پیشین جمهوری اسلامی بیان شد. جمله ای که اسلام را به دو دسته ناب محمدی و آمریکایی تقسیم می کرد. از آن تاریخ به بعد و به واقع پس از تسخیر سفارتخانه آمریکا این دیدگاه به شکلی جدی و عملی از سوی حاکمیت بر جامعه تحمیل شد، جامعه ای تازه انقلاب کرده با بستری مناسب برای چند دستگی ها و تصفیه های حکومتی.

اینکه آیا اسلامی که از سوی حاکمیت به عنوان یک دیدگاه و ایدئولوژی در سطر سیاست گذاری های کوچک و بزرگ کشور وارد شد را می توان ناب محمدی خواند و یا بالاتر از این اسلام را میتوان چنین چندپاره و چند دسته کرد؟! مسئله ایست که باید با فرصت و مجال کافی به واکاوی آن پرداخت. حال نزدیک به ۳۰ سال از رواج اسلام ناب محمدی گذشته و به همراه آن نیز واژه ی تازه ی بیداری اسلامی به واژگان پر کاربرد سیاسی کشور وارد شده است، هواداران آیت الله خمینی وی را پدر این بیداری خوانده و جنبش های منطقه و حتی جنبش های غربی را حاصل تاثیرگذاری دیدگاه وی بر جامعه جهانی می دانند. اما آنچه که یک شهروند در برخورد با نامالیامات و وضعیت جامعه کنونی خود در ایران مشاهده می کند چگونه است و با اسلام ناب محمدی و بیداری اسلامی چه ارتباطی دارد؟

اگر اسلام را به ظواهر و احکام آن یعنی آنچه حاکمیت در این سی سال به گسترش آن همت ورزیده محدود کرده و با سنت ایشان آن را نگاه کنیم، آنچه در جامعه مشاهده می شود و ما شاهد آن هستیم بیش از آنکه اسلام ناب محمدی باشد اسلام گریزیست و اگر اسلام را با بصیرتی حقیقت جویانه نگاه کرده و در طلب یافتن حقیقت آن بر آییم، آشکار است که روح و جان اسلام از دیگر ادیان جدا نبوده و نیست و با فطرت آدمی عجین شده است، به عبارتی نه آن را می توان ناب محمدی یا آمریکایی خواند و نه می توان از آن گریخت، بلکه بشریت بر همین بستر واکنشهای خود را به نامالیامات و تحمیلهای سیاسی مانند در ادامه آنچه در ادامه می آید پاسخ داده و همخوان با نیازهای خود می سازد.

استفاده ابزاری از دین برای دست یابی به قدرت و توجیه آن پس از گذشت سی سال قشر عظیمی از مردم را اسلام زده و بیزار کرده، ظاهرگرایی و توجه



گفت‌وگویی اختصاصی با حضرت آقای مجذوب‌علیشاه سلوک عرفانی در دوره‌ی مدرن (بخش دوم)

شود تا مثلاً بتواند بدود، پس صرفاً قوی شدن عضلات هدف نیست، اما اگر عضلات قوی شود به چه درد می‌خورد؟ برای این‌که بتواند بدود. دستوراتی هم که به سالک می‌دهند برای این است که عضلاتش قوی شود و بدود تا به مقصد رسد.

۱۶. مشهور است که شیخ جنید بغدادی در تعریف تصوف گفته که تصوف تصحیح خیال است. نسبت خیال با ذکر و فکر چیست؟

ذکر چیزی است که از اول ارادی است و از طریق ذکر، خیال را با اراده می‌بریم به سوی خداوند، منتها نه به معنای موهوم خیال. خیال یعنی تصوّر چیزی که وجود ندارد و ما یا علاقه‌مند به وجودش هستیم یا از وجودش می‌ترسیم، این خیال است، ولی وقتی خیال را تبدیل کنیم به ذکر خداوند یعنی متوجه چیزی می‌شویم که وجود دارد و ترس هم ندارد. این تصحیح خیال است، یعنی خیال را از موهومات به واجب‌الوجود متوجه کنیم، این همان تصحیح خیال است.

۱۷. آیا تصحیح خیال فقط با ذکر میسر می‌شود؟

ذکر برای تمرکز فکر و خیال است نسبت به خداوند، اما کسانی هم هستند که ذکر ندارند مثلاً اسحاق نیوتن که وقتی سیب از درخت افتاد فکر کرد و پی به قانون جاذبه برد در صورتی که من و شما و اجداد ما هم خیلی می‌دیدند که سیب می‌افتاد، ولی پی به قانون جاذبه نبردند، اما چون نیوتن تمرکزش روی این مسائل بود، آن تمرکز و آن معنی مورد توجه او، این فکر را به او القا کرد، ولی ما در عرفان می‌گوییم که خداوند این فکر را بر ما القا می‌کند. منتها

در شماره اول خبرنامه مجذوبان نور قسمت اول این گفتگو را مطالعه کردید، در این شماره شما را دعوت می‌کنیم بخش دوم این گفتگو را مطالعه کنید:

۱۴. چقدر مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در عدم دائم‌الذکر بودن دخالت داشته باشد؟ یعنی اگر کسی نیتش این باشد که حتی در کارهای ظاهریش مثل سر کلاس درس رفتن، خدا را در نظر داشته باشد، آیا این می‌تواند ذکر باشد؟ آیا اگر کارهای دنیایی را به نیت خدایی انجام دهیم می‌توانیم اسمش را ذکر بگذاریم؟

بله، این عبادت و ذکر است برای این‌که هر کاری که برای خدا می‌کند به یاد خداست منتها نه ذکر به معنای خاص آن. او در آن صورت هر کاری که کند، یاد خداست.

۱۵. پس می‌توانیم بگوییم آن دستور سلوکی که داده می‌شود، در واقع تمرینی است برای این‌که سالک در همه‌حال به یاد خدا باشد، ولی آن وضعیت در حالت عادی ممکن نیست، اما می‌تواند مثل تمرین مقدماتی باشد که به یک ورزشکار می‌دهند تا آن ورزش خاص را انجام دهد.

آن دستور سلوکی مثل تمرین و ورزشی است که یک ورزشکار انجام می‌دهد، ولی آن تمرین هدف نیست، بلکه ورزش و تمرین می‌کند که عضلاتش قوی

نیوتن، خدایی که خودش آفریده بود که خیال باشد، به او موضوع جاذبه را القا کرد؛ به همین دلیل ممکن است که در آینده نظریه‌ی جاذبه‌ی نیوتن رد بشود کمالین که برخی معتقدند جاذبه وجود ندارد، بلکه دافعه است به این معنی که زمین و ماه نسبت به هم دافعه دارند و می‌خواهند همدیگر را دور کنند، ولی به دافعه‌ی خورشید برمی‌خورد و زمین این وسط می‌ماند؛ لذا می‌گویند جاذبه وجود ندارد و قانون جاذبه معنی ندارد. حالا ما کاری نداریم که آیا جاذبه وجود دارد یا ندارد، ولی ما می‌گوییم چون نیوتن تمرکزش روی این موضوع بود و آن معنای مورد توجه‌اش، خدای او بود، همان خدای خودش قانون جاذبه را به او القا کرد.

۱۸. آیا مراقبه به سبکی که مثلاً در یوگا گفته می‌شود یا الآن در مدیتیشن (meditation) می‌گویند در تصحیح خیال مؤثر است؟

بله منتها آن‌ها یک چیز موهومی را به عنوان خدا در نظر می‌گیرند، ولی ما همه چیز را با یک نخ به خدا وصل می‌کنیم یعنی به آن واجب‌الوجودی که اصل و علت همه چیز است. البته برخی از فلاسفه در وجود اصل علیت ایراد گرفته‌اند و می‌گویند مثلاً این که آب در صد درجه به جوش می‌آید یا اگر این‌طور بشود فلان واقعه اتفاق می‌افتد؛ می‌گویند این‌طور نیست که یک رابطه‌ی علی میان آن‌ها باشد، بلکه چون این دو واقعه چند بار در کنار هم اتفاق افتاده، لذا شما هم به دلیل عادت گفته‌اید که این، علت آن است یا مثلاً این که گفته می‌شود عسل و خربزه را با هم نخورید، می‌گویند چون دو سه بار عسل و خربزه را با هم خورده‌اید و اشکالاتی جسمانی برای شما به وجود آمده است، بنابراین گفته‌اند خوردن آن‌ها با هم بد است، ولی شاید دفعه‌ی بعد که با هم خورده شوند، این موضوع اتفاق نیفتد. سوفسطاییان قدیم نیز به طریقی دیگر منکر اصل علیت بودند.

البته مولوی می‌گوید:

از سبب‌سازیش من شیدایی‌ام

از سبب سوزیش سوفسطایی‌ام^۱

در واقع او همه‌ی این حرف‌ها را کنار می‌زند و می‌گوید نه اسباب هستند و نه نیستند و اصلاً به من ربطی ندارد، من فقط یک سبب می‌شناسم که همان خداوند است.

۱۹ - سؤال بعدی درباره‌ی آن چیزی است که الآن تحت عنوان تکثر ادیان (pluralism) مطرح است و راجع به حقانیت و باطل بودنش حکم می‌کنند. از طرف دیگر می‌توان این سؤال را در عرفان با توجه به این که در عالم اسلام، طریقه‌های متعدّد عرفانی وجود دارد، مطرح کرد چرا که آن مبحث قضاوت راجع به ادیان در مورد طریقه‌های عرفانی هم مطرح است؛ به این معنی که کسانی که در طریقه‌های دیگری هستند یا حتی عرفای بزرگی که در ادیان مختلف بوده‌اند وقتی مطالب و سخنان آن‌ها را می‌خوانیم احساس می‌کنیم سخن آن‌ها به گونه‌ای است که بسیار شبیه یافته‌ها و مطالبی است که عرفای اسلام گفته‌اند، حال با این اوصاف، می‌توان قائل به حقانیت آن‌ها نیز شد یا خیر؟

در قرآن راجع به ادیان، به‌طور کلی چندین آیه وجود دارد، از جمله در سوره حج می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ أَمْنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲، یعنی خداوند میان مؤمنین و یهودیان و صابئین و نصارا و مجوس و آنان که مشرک شده‌اند، در روز

قیامت حکم می‌کند. به این معنی که صف‌های آنان را در روز قیامت جدا می‌کند. صف مؤمنین یا مسلمین، صف یهود و نصارا و صابئین و صف دیگر، صف مشرکین است و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ أَمْنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۳، یعنی اگر معتقدین به ادیان الهی دیگر ایمان و عمل صالح داشته باشند مثاب هستند. البته وقتی می‌گوید یهود یا نصارا و ... ایمان داشته باشند منظور ایمان به اسلام نیست، بلکه اگر ایمان به اصول دین خود که همان توحید، نبوت و معاد است داشته باشند و عمل صالح انجام دهند، مثاب خواهند بود؛ ولی در مورد عمل صالح می‌گویند یکی از اعمال صالح و اهم آن بررسی و تشخیص این است که کدام دین نسبت به سایر ادیان برتر است مثلاً شخص یهودی باید به اندازه‌ی اطلاعات خودش بررسی کند که آیا دین یهود برتر است یا اسلام و اگر به این نتیجه رسید که دین یهود برتر است، چنانچه به همان اصول دینی خود ایمان داشت و عمل صالح بجا آورد مثاب است.

اما علت تکثر سلاسل مختلف فقرا و این که چرا سلاسل متعدّد عرفانی ایجاد شد، این است که چون امام(ع) یا قطبی یا بزرگی مثلاً در عربستان و عراق بود و یک شیخی هم مثل خواجه عبدالله انصاری در هرات بود که بعد مسافت میان این دو بسیار بود - چنان که قبلاً هم گفته‌ام در آن زمان که حضرت صالح‌علیشاه از بیدخت به مکه رفتند و برگشتند یازده ماه طول کشید - لذا وقتی امام یا قطب، شیخی را مثلاً در هرات تعیین می‌فرمود به دلیل فاصله‌ی بسیار به آن شیخ دستور می‌داد که تو برای بعد از خود هم جانشینی تعیین کن و او این کار را می‌کرد و بعد از او هم گاهی تعیین جانشینی ادامه پیدا می‌کرد لذا به همین ترتیب از آن‌ها سلسله‌های متعدّد جاری می‌شد که البته بعضی از این سلاسل کاملاً مشخص است که قطع شده‌اند.

اما در مورد اختلاف در روش و رفتار سلاسل مختلف که هر کدام به‌نحوی بوده است، دلایلی مختلفی است. فرض کنید در خراسان و نیشابور و آن‌طرف‌ها که بارندگی و نعمت فراوان بوده است، به سخاوت توجه داشتند و به آن تکیه می‌کردند، ولی در عربستان که بارندگی کم بوده است سخاوت ارزش دیگری داشته است، همین‌طور سایر صفات در نقاط مختلف مشخصه‌های مختلفی داشته‌اند، لذا رفتار و سلوک درویشی هم متناسب با مقتضای محیط و منطبق با آن بوده است چنان که حضرت صالح‌علیشاه داستانی را در مورد علی(ع) و ابوبکر و عمر تعریف می‌کردند که این‌ها در یک سفری با هم بودند و یک شب هر سه آن‌ها محتلم شدند، وقتی برای نماز بیدار شدند، چون آب کافی برای غسل نبود و هنوز حکمی راجع به تیمم نازل نشده بود، یکی گفت چون نمی‌شود غسل کرد، بنابراین نمی‌توان نماز خواند و او نخواند. دیگری گفت چون نمی‌شود غسل کرد باید تمام بدن را به خاک مالید، لذا در خاک غلتید، اما علی(ع) تیمم کرد و نماز خواند. بعد پیغمبر(ص) هم روش علی را تأیید کردند و سپس آیه‌ی تیمم نازل شد: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ»^۴، یعنی هنگامی که آب نیافتید با خاک پاکی تیمم کنید و صورت و دست‌هایتان را با آن خاک مسح کنید. منظور این است که ایشان می‌فرمودند در محیط عربستان به دلیل کمبود آب، مسلمانان مجبور بودند که با یک کوزه‌ی کوچک آب که ابریق می‌گویند - و ما به لهجه‌ی محلی بریق می‌گوییم - خودشان را بشویند تا از ازاله‌ی نجاست شود و از آن آب هم برای رفع تشنگی می‌خوردند و هم با آن وضو می‌گرفتند؛ اما کسانی که در کنار دریا هستند به دلیل وفور آب، این‌گونه عمل نمی‌کنند. بنابراین برخی از این تفاوت در روش‌ها مربوط می‌شود به امکاناتی که خداوند در اختیار بندگانش قرار داده است والا همه یکی هستند چون اصل عرفان در همه‌ی ادیان وجود دارد.

۲۴. آیا حتی این قول می‌تواند درباره‌ی کسی صادق باشد که در جزیره‌ای دور از حضور ادیان رسمی و بدون ارتباط با هیچ‌کس، برای خودش به صورت ظاهر بتی را بپرستد که احتمالاً منظورش خداست؟

اگر همچنین فرضی قابل تحقق باشد، بله.

- از این که وقت شریف خود را در اختیار ما قرار دادید، متشکریم.

من هم از این که فقرا و دیگر علاقه‌مندان به عرفان و تصوف به تحقیق برآمده و به دنبال فهم و معرفت بیشتری در راه سلوک هستند، خوشحالم و از شما نیز برای انجام این گفت‌وگو قدردانی می‌کنم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مثنوی معنوی، چاپ کلاله خاور، ص ۱۳، س ۳۲.
۲. آیه‌ی ۲۲.
۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۶۲.
۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۴۳.

۲۰. سؤالی که این‌جا پیش می‌آید در مورد طریقه‌هاست؛ مثلاً طریقه‌ی نقشبندیه که در یک دوره‌ای لااقل با نعمت‌اللّه‌یه خیلی مخالفت کرده که ظاهراً جهات سیاسی هم دارد و الآن هم از مشکوک‌ترین طریقه‌های عرفانی از نظر صحت اجازه است، اما وقتی اشعار و آثار کسانی مثل جامی را در این طریقه مطالعه می‌کنیم برنمی‌آید که این مطالب و سخنان را صرفاً در کتاب‌های دیگر خوانده باشد، بلکه به نظر می‌رسد که برخی مطالبش مبتنی بر یافته‌ها و دیده‌های خودش است. حال با این که جامی از اصل در راهی رفته که آن راه اشتباه بوده، پس یافته‌های او چه می‌شود؟ آیا یافته‌هایش هم می‌تواند باطل باشد؟

یافته‌هایش که نمی‌تواند باطل باشد. اولاً برای خودش که درست است به‌علاوه برای ما اگر با حال ما منطبق بود، صحیح است. جامی اتفاقاً کتاب‌های خوبی دارد، اما مثلاً وقتی که می‌گوید معاویه رضی‌الله عنه، چون این گفته با حال و عقیده‌ی ما منطبق نیست و می‌دانیم که غلط است، می‌گوییم که غلط است. به‌عنوان مثال فرض کنید که شخصی از راهرویی که هواپیما را به سالن فرودگاه وصل می‌کند رد می‌شود و در این راهرو، سوراخ‌هایی است که از آن نور می‌آید و او می‌تواند جلوه‌هایی از بیرون را ببیند، ولی آنچه را که از دیده‌هایش برای ما می‌گوید صحیح نیست برای این که تصادفاً چیزهایی را دیده است مثلاً می‌گوید یک چراغ قوی در بیرون روشن بود ما می‌گوییم که راست می‌گویی، ولی او نمی‌داند که آن، چه بوده است. این‌ها هم تکه تکه مطالبی را می‌گویند که اگر با حال ما منطبق بود، ما هم آن را قبول می‌کنیم و می‌گوییم درست است و اگر منطبق نبود قبول نمی‌کنیم؛ ولی نمی‌توان گفت که هم‌ماش غلط است چون با ایمان در آن راهی که به خیال خودش خوب بوده، قدم زده است.

مثلاً ظهیرالدوله بعد از آن که مرحوم آقای دکتر نورالحکماء اسناد جانشینی مرحوم آقای سعادت‌علیشاه را به او نشان دادند گفته بود که من تا به حال با اطمینان و با ایمان خدمت کردم، ولی از حالا به بعد دستگیری نمی‌کنم و نکرده بود. بنابراین او تا آن حدّ که با خلوص نیت کار کرده، مثاب است. مثل همان داستانی که مولوی در مثنوی می‌گوید که شخصی، بتی را در مقابلش گذاشته بود و با آن مناجات می‌کرد. خداوند فرمود او مرا می‌خواهد فقط اسم را اشتباه کرده است. بنابراین تا وقتی که او را می‌خواهند قولشان قبول است.

۲۱. و این نظر می‌تواند در مورد عرفان ادیان دیگر هم به همین نحو صادق باشد؟

بله.

۲۲. حتی اگر ادیانی باشند که اسم‌شان در آن آیه‌ی شریفه، نصارا و یهود و صابئین و این‌ها هم نباشد؟

در آن آیه مؤمنین و کفار را جدا کرده است. در مورد آن‌هایی که یک مایه‌ی مشترک با ما داشته باشند و آن مایه خداوند است، صادق است.

۲۳. الآن عرفان‌های دیگری مثلاً عرفان سرخ‌پوستی رایج شده است که وقتی آثارشان را مطالعه می‌کنیم با این که صورت ظاهر به مبدأ و معاد و از این قبیل اصول دینی اعتقادی ندارند، ولی سخن از یافته‌هایی می‌گویند.

من یکی دو تا از کتاب‌های کارلوس کاستاندا را خوانده‌ام، مطالبی که امثال او می‌گویند اگر با عقاید و احوال ما منطبق است قبول داریم و آن‌های دیگر را نه.

فاز جدید تقابل نور و ظلمت

کارور شکستگی گردانندگان سیاست سرکوب د گردانندگان عقیدتی در وطن مظلوم ما به جایی رسیده که به علت نم کشیدن توپخانه های سایتهای زنجیره ای ضد فرهنگ مانند "رجا نیوز" و "جوان آنلاین" و "جهان نیوز" و "فارس نیوز" و ... دوباره به "صابر قدسی" رو آورده و به او ماموریت فشفشه در کردن از "وبلاگ خرقة پشمینه" راداده اند. اگرچه نویسنده این "وبلاگ کذایی" بانویسنده مطالب ضدفرهنگی "رجانیوز" بی کم و کاست یکنفر است و تفاوتی ندارد که در کجا بنویسد، در هر حال نوشته اش امضای خودش را دارد. پشت هر نامی خودش را پنهان کند، بازهم دم خروس است که بیرون میزند و معلوم میشود که او کسی نیست جز طلبه بسیجی بیسواد و تنک مایه به اسم "عبدالحسین خسرو پناه!"

گرداننده "وبلاگ خرقة" از اسفندماه هشتاد و نه تا مهرماه نود برای بالا کشیدن خودش بر اریکه "انجمن پژوهشی حکمت و فلسفه" دست و پا میزد، و وبلاگ کذایی "خرقة" فعال نبود. اما در بحبوحه قضیه کوار که بی آبرویی وسیع بین المللی برای سیستم فاشیستی حاکم بر ایران به بار آورد، مقرر شد تا "عبدالحسین خسرو پناه" دوباره در بوق "خرقة" بدمد و سروصدا راه بیندازد و گردو خاک به پا کند، شاید این بار هم به شیوه همیشگی (در قضایای قم و بروجرد و اصفهان) نعل وارونه بزند. از آن ماه مهر تا امروز که سی آبان بود چند فقره مطلب کاشته بود که بیفرهنگی گماشتگان فاشیسم فکری را نشان میداد. البته انتظاری از این دروغگویان قداره بند جز این نمیتوان انتظاری داشت، همین است که هست. جدال نور و ظلمت به درازای تاریخ است. به محض این که هفته نامه "مجدوبان نور" انتشار یافت، دست اندرکاران فاشیسم ضدفرهنگی حاکم بر ایران به "پشمینه پوشان" خرقة، میدان دادند تا "هفته نامه ظلمت" را به همان سبک و سیاق منتشر کنند. جل الخالق "نورجویان" تصمیم دارند تا از آستان عید غدیر خم به بعد هفته ای یکبار هفته نامه "مجدوبان نور" را منتشر کنند، و در مقابله جویی با آنها "جعدان و خفاشان ظلمت نشین" هم به اقتضای سبرتشان در ستیزه با "نورجویان" خود را "مجدوبان ظلمت" میخوانند و هفته نامه سیاه و ظلمانی خودشان را منتشر میکنند. هرکسی بر طینت خود میتند

از جانب دیگر در این چندفقره مطلبی که "اصحاب خرقة" نوشته اند دشمنی و قیحانه و افسارگسیخته ای را با شخص دکتر مصطفی آزمایش بر دایره ریخته اند و همه القابی را که حقیقتا خودشان و اربابانشان شایستگی حمل آن را دارند نثار دکتر آزمایش کرده اند. مساله، شخصی نیست... و البته اگر در حد مساله شخصی بود، اصلاً نیازی به جواب دادن نداشت. اما ستیزه نور و ظلمت را نمیتوان منکر شد.

اشباح تاریکخانه های تودر توی پنهان در پشت سایتهای و وبلاگهای زنجیره ای، در صدد اجرای طرحهای شومند. این را روشن و واضح نوشته اند. به دکتر آزمایش اتهامهای مضحکی مانند "خائن و ظنفرورش و جاسوس رسمی کشور فرانسه" میندند و مدعی میشوند که یک دستت در دست "مدبران در بند سایت مجذوبان نور" است و دست دیگرش در دست آقای دکتر شهرام پازوکی! " امروزه خرقة [گنابادی]

به پادوی انگلستان، فرانسه و آمریکا تبدیل شده، و حتی عنصر مارک دار فرقه، یعنی مصطفی آزمایش - که جاسوس رسمی سرویس اطلاعات خارجی فرانسه است - تیزترین حملات خود را علیه نظام و انقلاب نشانده رفته است. این امر تحرک "نیروهای انقلابی" [یعنی فاشیستهای بسیجی] را تا براندازی تشکیلات سیاسی فرقه در پی خواهد داشت. اگرچه خودشان یقین دارند که دروغ میگویند و اتهامهای صددرصد



کذب و بی اساس میبافند، اما نیش عقرب، نه از ره کین است، اقتضای طبیعتش این است

از طرف دیگر در سببهاجال مخوف اوین میکوشند تا با تحمیل سولهای انفرادی و شکنجه های طاقت فرسای روحی - جسمی مقاومت اسیران دریند را بشکنند و آن عزیزان را وادار به اعترافهای فرمایشی بر علیه خودشان و بر علیه اساس مکتب تصوف و طریقت درویشی بکنند. "وبلاگ شیطنانی خرقة" بدون رودربایستی این هدف اهریمنی را لو میدهد و بیشرمانه ادعا میکند که در مطالب بعدی به سوابق فعالیتهای فعالان سایت مجذوبان نور و همکاری آنها با برخی گروه های منحل را خواهند پرداخت: به سابقه "نورعلی" [جناب آقای دکتر تابنده]، وضعیت کنونی فرقه، عناصر سابقه دار باند "حمید مرادی" [آقای حمیدرضا مرادی سروسناتی از مدیران سایت خبری مجذوبان نور] و سوابق عضویت در گروههای تروریستی و... خواهیم پرداخت. گردانندگان خرقة که بیانگر منویات شوم اشباح تاریکخانه توطئه و ترور میباشد در قسمت دیگری از نوشته های روزهای اخیر خود ادعاهای دیگری مطرح مینمایند از جمله این که " [دکتر] شهرام پازوکی صوفی و از فعالان فرقه گنابادی است که سالهاست برای فرقه و گسترش آن تلاش می کند. یکی از ویژگیهای این عنصر صوفی تلاش برای نفوذ به مجامع علمی، دانشگاه ها و حتی دستگاه های مهم کشور است. از سالها قبل نسبت به فعالیت های مشکوک وی در همین وبلاگ هشدار داده بودم اما گوش شنوایی نبود. اخیراً با انتشار نامه مصطفی آزمایش (جاسوس فرانسه و نماینده نورعلی تابنده) به احمد شهید نماینده حقوق به اصطلاح بشر مشخص شد اطلاعات مراکز مهم و دانشگاه های کشور از طریق [آقای دکتر شهرام] پازوکی [برای دکتر آزمایش] به خارج فرستاده می شود. برای نمونه قسمتی از نامه مصطفی آزمایش این عنصر وطن فروش و خائن را

بازخوانی می کنیم:

علاوه بر این با تجدید سازمان مراکز پژوهشی "مطالعات ادیان" در قم و نیز "انجمن پژوهش حکمت و فلسفه" در تهران و اخراج اساتید صاحبنام از این مرکز و انتصاب آخوندهای کم سن و سال و بیسواد مانند "عبدالحسین خسرو پناه" این مراکز را کانون مغزشویی توده های بی اطلاع و متعصب بسیجی قرار داده اند.

نامبرده [دکتر آزمایش] در جایی دیگر می نویسد: از سه هفته قبل آقای صالح پازوکی را در حین خدمت سربازی دستگیر و زندانی کرده اند و خانواده ایشان را زیر فشار شدید قرار داده اند. پدر ایشان آقای دکتر شهرام پازوکی از اساتید صاحب نام فلسفه و عرفان در سطح بین المللی میباشند.

از نقطه نظر فاشیستهای ضد فرهنگ تاریکخانه های اشباح، جرم برشمرده برای دکتر آزمایش، فعالیت در عرصه "دفاع از حقوق بشر و آزادیهای شهروندی، و حضور در مجامع بین المللی و ارتباط با دکتر احمد شهید گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل متحد است! آری، این واقعیت است که اصحاب فرقه "خرقة پشمینه" از انتشار اخبار نسبت به عملکرد ستمگرانه نظام فاشیستی حاکم بر دستگاه قضائیه ایران واهمه دارند. می خواهند دروغ بیافند و سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه دهند. وقتی کسی بکوشد تا دیوار ضخیم سانسور و اختناق و خفقان را در عرصه اطلاع رسانی بشکند و پرده دروغ پراکنیهای سیستماتیک مسئولان دستگاه امنیتی مسلط بر قوه قضائیه را بشکند و حقیقت مطلب را به سمع و نظر گزارشگران سازمان ملل و عفو بین الملل و دیدبان حقوق بشر و اتحادیه اروپا برسانند، فریاد وفغان این فاشیستها به آسمان بلند میشود و گوش فلک را کر میکند. این فاشیستهای بی دین و بی ایمان و قدرت پرست مدعی اند که نباید به کار آنها کار داشت. آنها باید سرکوبهای خونینشان را انجام دهند. گله های بسیجی را به جان درویشان کوار بیندازند و با گلوله های جنگی آنها را به خون بکشند و شهید کنند، اما گزارش کارهایشان نباید جایی منعکس شود. این فاشیستها به انسانیت اعلام جنگ داده اند

اما به آنها باید پیام داد که هرچقدر که میتوانند تهدید کنید و خط و نشان بکشید. مدافعان اعتبار انسان و حارسان ارزشهای انسانی تا زنده هستند، با این قبیل اباطیل میدان را ترک نمیکند. بیچارگان نمیدانند که سعدی چه فرمود. او فرمود:

دنیا، آن قدر ندارد که بر او رشک بَرند
یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
این سرائی است که البته خلل خواهد یافت
خرم آن قوم که در بند سربازی دگرند
گوسفندی بَرَد این گرگ مَزور همه روز
گوسفندان دگر خیره بر او مینگرند

این مزدوران از این سخنان نغز چه میفهمند. اینها در گیر حلق و دلق و اختلاس و غارت و چپاول و سرکوب اند. هرجا نغمه ای از آزادیخواهی بلند است و هرجا مشعلی از فروغ معارف انسانی روشن است این خفاشها در صدد به خاموشی کشاندنش هستند. غافل از آن که و الله یتِم نوره ولو کره الکافرون
چراغی را که ایزد بر فرزند
هرآن کو پف کند ریش اش بسوزد

منبع: کمیته بین المللی حمایت از حقوق درویشان در ایران



ابراز نگرانی خانواده های وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور پس از اولین ملاقات



وکلا و مدیران سایت مجذوبان نور بعد از گذشت ۷۵ روز از بازداشت ایشان، برای اولین بار با خانواده های خویش ملاقات کردند. که با ابراز نگرانی تعدادی از خانواده ها از وضعیت بد جسمی و خطر شکنجه ایشان همراه بوده است. به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ صبح روز ۲۶ آبان ماه خانواده های وکلای دروایش و مدیران سایت مجذوبان نور آقایان رضا انتصاری، امید بهروزی، امیر اسلامی، فرشید یداللهی، افشین کرم پور و حمید مرادی با ایشان ملاقات کابینی داشتند. لازم به ذکر است، خانواده امیر اسلامی و حمید مرادی پس از ملاقات از خطر و احتمال شکنجه و فشار بر این دو درویش ابراز نگرانی کردند و افزودند علاوه بر مشاهده آثار کوفتگی و کبودی بر دستان امیر اسلامی، حمید مرادی نیز در وضعیت وخیمی دیده شده است و در حین ملاقات ۳ تن از ماموران امنیتی همراه وی حضور داشتند که از وجود خطر شکنجه و خواست نیروهای امنیتی بر عدم اطلاع خانواده حمید مرادی از آنچه بر این درویش در این مدت گذشته است خبر می دهد.

یادآور می شود، این درویش گنابادی نزدیک به ۷۵ روز است در بند امنیتی زندان اوین به سر می برند و تا هفته گذشته در سلولهای انفرادی این بند بودند، از این بین امید بهروزی و رضا انتصاری قبل از این نیز با خانواده های خویش ملاقات داشته اند.

صدور قرار ۵۰۰ میلیون تومانی وثیقه برای امیر اسلامی وکیل دروایش گنابادی

خانواده امیر اسلامی وکیل دروایش گنابادی از صدور قرار وثیقه ی ۵۰۰ میلیون تومانی برای وی خبر دادند.



به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ امیر اسلامی وکیل دروایش گنابادی که در تاریخ ۱۳ شهریور ماه به دعوت فرمانداری شهرستان کوار به همراه آقایان افشین کرمپور دیگر وکیل دروایش و غلامرضا شیرزادی استاد دانشگاه به آنجا رفته و توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، پس از گذشت نزدیک به ۸۰ روز حبس در بند امنیتی زندان اوین هفته گذشته با تماس بازپرس پرونده با خانواده ایشان از صدور قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی برای وی خبر داده شد. گفتنی است؛ در ماه گذشته برای حمید مرادی یکی از مدیران سایت مجذوبان نور نیز قرار وثیقه ای به ارزش ۴۰۰ میلیون تومان صادر شده است.

انتقال مصطفی دانشجو وکیل دروایش گنابادی به بند عمومی زندان اوین

مصطفی دانشجو وکیل دروایش گنابادی پس از گذشت یکماه حبس در سلول انفرادی بند امنیتی زندان اوین به بند عمومی منتقل شد.



به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ مصطفی دانشجو از وکلای دروایش گنابادی که در تاریخ ۷ آبان ماه از زندان ساری مرتبط با بازداشتها و فشارهای اخیر به بند امنیتی زندان اوین منتقل شده بود، روز گذشته ۵ آذر ماه به بند عمومی انتقال یافت. این وکیل دروایش که در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از سوی دادگاه تجدید نظر استان مازندران به ۷ ماه حبس محکوم شده بود در حالی که روزهای آخر محکومیت خویش را سپری میکرد به زندان اوین منتقل شد. وی روز گذشته ۵ آذر ماه پس از تحمل یکماه حبس در سلول انفرادی بند ۲۰۹ به بند عمومی زندان اوین انتقال یافت.

بازداشت یک درویش گنابادی در شهرستان کوار

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ صبح روز ۲۵ آبان ماه مهدی قنبری یکی از درویش گنابادی ساکن کوار توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بدون ارائه حکم قضایی در محل کارش بازداشت شد.



در ادامه این گزارش آمده است؛ فشار بر دروایش گنابادی ساکن کوار در ماه گذشته شدت یافته است به شکلی که علاوه بر بازداشت درویش منطقه، تفتیش و بازرسی منازل شخصی ایشان با اعمال خشونت و ایجاد رعب و وحشت توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی هنوز ادامه دارد. گفتنی است جو امنیتی و پلیسی حاکم بر درویش گنابادی ساکن کوار از طرف نیروهای امنیتی و لباس شخصی در طی سه ماه گذشته به شکلی بوده است که درویش منطقه بدون کمترین آرامش و امنیتی این مدت را سپری کرده اند.

تیراندازی لباس شخصی ها به سوی دو درویش در کوار

قصد نیروهای امنیتی و لباس شخصی برای بازداشت ۲ تن از درویش گنابادی ساکن کوار که با مقاومت این دو درویش ناکام ماند به تیراندازی نیروهای امنیتی انجامید. در این حادثه کسی آسیب ندید.



به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور؛ ذبیح کرد پور و رضا پشتکار دو تن از درویش گنابادی، عصر روز ۲۶ آبان ماه در حالی که راهی حسینیه درویش کوار بودند با برخورد نیروهای امنیتی و لباس شخصی به قصد بازداشت ایشان روبرو شده و می گریزند. در همین حال نیروهای امنیتی نیز در مواجهه با مقاومت این دو درویش و گریختن ایشان اقدام به تیراندازی می کنند. در این حادثه تیر نیروهای امنیتی به هدف اصابت نکرده و خوشبختانه کسی آسیب نمی بیند.

گفتنی است موج فشارها و بازداشت درویش گنابادی ساکن کوار به شکلی مستمر و روزانه ادامه دارد و نگرانی ها از امنیت جانی درویش منطقه روز به روز در حال افزایش است.

محمد نوری‌زاد، روزنامه‌نگار و مستندساز، احمدرضا احمدپور، روحانی زندانی منتقد نظام و مهدی خزعلی، پزشک و وبلاگ‌نویس منتقد در نامه‌هایی جداگانه به آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران از شرایط حاکم بر کشور انتقاد کرده‌اند.



فردی چون "امیر قطر"، هم همه ی کشور یک وجبی اوست و هم همه ی دنیای فراخ. او اکنون به هر کجا که بخواهد سفر می کند و با هر کشوری که بخواهد می آمیزد. چرا؟ چون در این دنیای پرتلاطم، اندازه و مقدار خود را فهم کرده و سفرهای بقدر همان اندازه ی ناچیز خود گسترانیده است. امروز همان وسعت ناچیز او آنچنان قدر و قیمت یافته است که هوایمماهای قطری باید آسمان حقارت ما را درنوردند و مغرورانه ما و شما را به اسم مسافر جایجا کنند. نمی دانم آیا این را شنیده اید: کشور قطر، درست در همان سالی تأسیس شد که "ایران ایر" ما تأسیس شد؟! "

سه نامه از سه منتقد حکومت به رهبر جمهوری اسلامی

خامنه‌ای خواسته است تا پاسخگوی سئوالات مردم باشد. محمد نوری‌زاد در این نامه به شرکت نکردن ۲۳ ساله آیت‌الله خامنه‌ای در هیچ نشست خبری و پاسخ ندادن به پرسش‌های صریح ایرانیان و خبرنگاران خارجی اشاره کرده‌است.

نوری‌زاد در نامه یازدهم خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای نوشته است: "قبول می‌فرمایید اگر این مردم شریف را ارج و بهایی بود، اعتراض‌ها و پرسش‌هایشان به هیچ گرفته نمی‌شد و بعضی‌شان نیز به چوب و چماق قوای تحت امر شما سپرده نمی‌شد."

این مستندساز منتقد در ادامه نامه خود می‌افزاید: "من راز بی‌اعتنایی به این مردم شریف را، و تیرگی مستمر سرنوشت آنان را در سیاهی نفت می‌بینم. آری، بزرگانی که دستشان به پول نفت این مردم گشوده است و بی‌اجازه آنان هر چه قدر که بخواهند برمی‌دارند، احتیاجی به خود مردم ندارند. علت این که در این سرزمین فلک‌زده، افکار عمومی به هیچ گرفته می‌شود، هیچ نیست الا همین دست‌هایی که بی‌اجازه مردم در جیب مردم فرو می‌رود." نوری‌زاد در ادامه نامه یازدهم خود به آیت‌الله خامنه‌ای پرسش‌هایی نیز از محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق ایران مطرح کرده است.

از جمله پرسش‌های هفت‌گانه نوری‌زاد از خاتمی، پرسش درباره بی‌توجهی حاکمیت به خواست‌های اوست. نوری‌زاد از خاتمی پرسیده است "چرا شما در زندان نیستید؟ ظاهراً با آن همه نسبت جاسوسی و براندازی و فحش‌های وقیح کیهانی، شما برای زندانی شدن اولویت داشته اید. حاکمیت، در شما چه دیده که بیرون ماندن شما را به صلاح خود دانسته است؟ بیرون مانده اید تا این بیست میلیون نفر سرگشته را رهبری کنید؟ تا جنبش سبز که نه، تا اصلاحات مالوف تان بدون سرباشد؟ تا برای برآمدن و برکسی نشستن خود و دوستانتان، مردم را به صحنه آورید؟ آیا مواضع نرم شما به این خاطر نیست که در بیرون بمانید و به گمان خود این آشتی‌نگی‌ها را سامان دهید؟ آیا کشتن جوانان مردم و ضرب و شتم وحشیانه‌ی مردم و دستگیری‌ها و حبس‌های توأم با شکنجه و تهدید و رعب و وحشت، شما را به وادی ترس درنیانداخته است؟ تا همان گونه بگویید و موضع بگیرید که حاکمیت خواهان آن است؟"

نوری‌زاد در پرسشی دیگر به برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرده و پرسیده است: "به فرض، شما رئیس‌جمهور، شما رئیس مجلس، شما همه مجلس، با داستان بشار اسد و لبنان و حزب‌الله و اسرائیل و داستان انرژی هسته‌ای و تحریم‌ها چه می‌کنید؟"

نامه های نوری‌زاد به گفته وی به صورتی از پیش تعیین شده جمعه هر ماه تا فرا رسیدن انتخابات مجلس در سال جاری منتشر می شود ، وی در دوازدهمین نامه که جمعه ی گذشته منتشر شد خطاب به آیت الله خامنه ای گفت : " چرا نگوییم: این روزها، تلخ ترین روزهای عمر شماست؟ و چرا نگوییم: سالهای آرام و پر از اختیار شما سپری شد و رفت؟ در جوار ما اما، حوزه ی اختیار

احمدرضا احمدپور در نامه خود که شنبه، ۲۸ آبان‌ماه در تارنمای خود به نام "پژواک خاموش" منتشر شده، آورده است که "در طول فعالیت دادگاه ویژه روحانیت، تاکنون چند هزار روحانی بازداشت و محکوم شده‌اند و ده‌ها نفر نیز به اعدام محکوم و حکم آن‌ها اجرا شده و این رویه همچنان ادامه دارد."

به گفته این روحانی زندانی، "عدالت" در دادگاه ویژه روحانیت به باد فراموشی سپرده شده و "حب و بغض" جای آن را گرفته و مقام‌های دادگاه بدون توجه به موازین قانون اساسی و عدای نظام جمهوری اسلامی، حکم صادر می‌کنند.

این روحانی عضو جبهه مشارکت ایران اسلامی که در بند ویژه روحانیت زندان قم به سر می‌برد، از پشتیبانی آیت‌الله علی خامنه‌ای از دادگاه ویژه روحانیت انتقاد کرده و نوشته است که این حمایت‌ها سبب شده است تا از انتقادات و مخالفت‌های قانونی مقام‌ها و صاحب‌نظران حقوقی در مورد این دادگاه جلوگیری شود.

احمدرضا احمدپور دی‌ماه سال ۸۸ به اتهام "انتشار اطلاعات کذب درباره نظام" و "بدنام کردن روحانیت شیعه"، خلع لباس و به یک سال زندانی محکوم شده بود، پس از گذراندن دوران محکومیت خود آزاد شد و تیرماه امسال بار دیگر توسط مأموران لباس شخصی بازداشت شد.

این عضو جبهه مشارکت که در اعتراض به وضعیت زندان ۱۶ روز اعتصاب غذا کرده و نامه‌ای نیز به دبیرکل سازمان ملل نوشته بود، همچنین به سه سال حبس و ۱۰ سال تبعید در شهرستان ایذه و خلع لباس دوباره، محرومیت از مزایا و مناصب طلبگی در سال ۹۰ محکوم شد.

از سوی دیگر مهدی خزعلی، پزشک و وبلاگ‌نویس منتقد در نامه گلابه‌آمیز به رهبر جمهوری اسلامی، پیشنهاد داده یک معاونت "تق" یا "نقد" مانند دوره ریاست‌جمهوری محمدعلی رجایی، برای نقادی بی‌پروا و مخالف رهبری تشکیل شود تا بدون رعایت آداب و بدون لکنت کلام، نقدهای جامعه را برای او بگوید.

مهدی خزعلی همچنین پیشنهاد داد که خودش هفته‌ای یک بار "با زبانی تند و تیز و برنده" این نقدها را برای آیت‌الله خامنه‌ای بازگو کند و افزوده است: "مختارید پاسخ مرا حضوری دهید یا برای پنجمین بار راهی سلول انفرادی‌ام نمایید."

این وبلاگ‌نویس منتقد در ادامه نامه خود نوشته است که اطراف آیت‌الله خامنه‌ای را "مدحان و ثناگویان و متملقان" گرفته‌اند و از بیان سخن تلخ و نقد در حضور او هراس دارند و این هراس را یکی از سران سه قوه که نامی از وی برده نشده، برای اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بازگو کرده است. مهدی خزعلی مدیر انتشارات حیان و فرزند آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی عضو مجلس خبرگان و رئیس بنیاد بین‌المللی غدیر است که پس از رویدادهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم تاکنون چهار بار بازداشت و راهی زندان شده است. وی آخرین بار در مردادماه امسال با سپردن وثیقه آزاد شد.

محمد نوری‌زاد نیز در یازدهمین و دوازدهمین نامه گلابه‌آمیز خود به رهبر جمهوری اسلامی ایران که در تارنمای رسمی وی در دو هفته گذشته منتشر شده است ضمن انتقاد از شرایط موجود در کشور از آیت‌الله علی

وی در ادامه افزوده است : " من، همچنان از باب ادب و دوستی و خیرخواهی تلاش می کنم منصفانه ترین راهکار خروجمان را از هزارتوی بحران‌هایی که گرفتار آن شده ایم، تقدیم جناب شما کنم. عصاره‌ی این راهکار، این است که من کاسه ای و جامی را به نیابت از شما به درخانه ی یک یک ایرانیان می برم تا آنان به تناسب غُلقه ای که به ما و شما و نظام دارند، چیزی در آن فرو بریزند. سرآخر، من این جام لبریز از نوشیدنی را برای شما باز می آورم. به این شرط که شما نیز بی تأمل شربت این جام را سربکشید. اگر چه در او شهد باشد یا شوکران."

محمد نوری‌زاد در ادامه با اشاره به جام زهر و ترغیب رهبری برای نوشیدن آن ، شش عصاره ی این جام را بیان می دارد و با اشاره به بحرانهای داخلی و خارجی کشور در ششمین عصاره این جام می‌افزاید : "با آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و دلجویی از آنان و از خانواده های آنان، فضا را برای انتخاباتی پرشور و بدور از حساسیت های امنیتی فراهم کنید و مجلس و دولت و دستگاه قضایی و شورای نگهبان و نظارت استصوابی و پاسداری از انقلاب را به عرصه ی "بازتعریف" هدایت فرمایید. در حقارت رفتار ما و بد اخلاقی ممتد ما همین بس که ما پاکمردی چون مهندس "محمد توسلی" را قریب به یک ماه در زندان نگاه داشته ایم و یک خبرمختصر به خانواده اش نداده ایم که او کجا زندانی است و اساساً آیا زنده است یا مرده؟! مهندس محمد توسلی، هموست که هم درسالهای پیش از انقلاب به زندان شقاوت شاه رفته، و هم بارها در سالهای پس از انقلاب به زندان اسلامی ما. هم او که هم اکنون داماد فهیم و فرهیخته اش مهندس فرید طاهری و دختر بی گنازش لیلا توسلی زندانی عصبیتی ما هستند. ما با این همه لجاجت و کینه توزی به کجای آداب مسلمانی چشم دوخته ایم؟"

محمد نوری‌زاد از نویسندگان سابق روزنامه کیهان و پیش از سال ۱۳۸۸ از پرشورترین پشتیبانان رهبری جمهوری اسلامی بود اما در جریان اعتراض‌های پس از دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۳۸۸ به صف منتقدان حکومت پیوست و به دلیل انتشار نامه‌های سرگشاده انتقادی به آیت‌الله خامنه‌ای چند بار بازداشت شد.

فشار به مطبوعات در ایران

در روزهای گذشته دو طیف متفاوت از مطبوعات ایران مورد غضب حکومتی قرار گرفتند که از این میان روزنامه اعتماد توقیف شد و روزنامه دولتی ایران شاهد درگیری در محل روزنامه و بازداشت ۳۰ تن از روزنامه نگاران و همکاران خود بود.

هفته گذشته در آخرین ساعات روز شنبه ۲۸ آبان ماه در حالی که روزنامه اعتماد در انتظار آخرین اعمال اصلاحات بر صفحه سیاسی بود با تماسی تلفنی توقیف روزنامه به مدیر مسئول آن اعلام شد. الیاس حضرتی در گفت و گویی دلیل توقیف موقت روزنامه را چاپ مصاحبه ای با علی اکبر جوانفکر سرپرست موسسه مطبوعاتی ایران و همچنین مشاور رسانه‌های محمود احمدی نژاد رئیس جمهور اعلام کرد. وی در ادامه بیان داشت: ای کاش به جای تعطیلی رسانه‌ها با مسئولان آن‌ها برخورد می کردند. ای کاش از من توضیح می خواستند نه اینکه روزنامه را تعطیل کنند و کاری نمی کردند که دیشب همکاران ما با چشم گریان از روزنامه بروند و بار دیگر ماجرای بیکاری آن‌ها از سر گرفته شود.

روز یکشنبه بود که خبر محکومیت علی اکبر جوان فکر از سوی رسانه‌ها اعلام شد، خبری که در آن سرپرست روزنامه ایران در خصوص اتهام انتشار مطالب خلاف موازین اسلامی در ویژه نامه «خاتون» به ۶ ماه حبس و در مورد اتهام انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی در این ویژه نامه به ۶ ماه حبس محکوم شد که بر اساس این رای، وی مجموعاً به تحمل یک سال حبس محکوم شده بود.

در همین حال دو روز پس از توقیف روزنامه اعتماد مدیر مسئول این روزنامه با حضور در شعبه چهار دادرسی فرهنگ و رسانه تفهیم اتهام شد، الیاس حضرتی در رابطه با علت توقیف روزنامه اعتماد از سوی مقامات قضایی گفت: تیتراژ اصلی پنجشنبه گذشته، نقل قولی از جواد لاریجانی در ارتباط با کربوی و موسوی بود. این خبر یکی از علت‌های توقیف به خاطر عدم رعایت مصوبه شورای عالی امنیت ملی از طریق درج مطلبی در ارتباط با موسوی و کربوی بود.

گفتنی است، رسانه‌های خبری کشور، از انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به رهبران محصور جنبش سبز ممنوع شده اند.

این پایان اتفاقات مطبوعاتی کشور در روزهای اخیر نبود و عصر همان روز ماموران دادستانی تهران در حالی برای بازداشت علی اکبر جوانفکر در دفتر روزنامه ایران حضور یافتند که وی در اعتراض به حکم دادگاه کنفرانسی در دفاع از ویژه نامه خاتون در محل روزنامه برگزار کرده بود. پس از تلاش ماموران دادستانی برای بازداشت مدیر خبرگزاری ایرنا این اقدام به تشنج و درگیری کشیده شد به شکلی که بر طبق گفته‌های جوانفکر این ماموران با استفاده از گاز اشک آور و ضرب و شتم خبرنگاران روزنامه ۳۰ تن از ایشان را بازداشت کردند.



همزمان با خبر ورود نیروهای دادستانی به دفتر روزنامه ایران، برخی گزارش‌ها از وساطت آقای احمدی نژاد برای جلوگیری از بازداشت آقای جوانفکر حکایت داشت. جوانفکر گفت "آقای رئیس جمهور تلاش می کردند که این مساله به خوبی حل شود ولی آن‌ها می گفتند ما کاری به رئیس قوه قضاییه و همچنین رئیس جمهور نداریم، ما دستور داریم." با این حال ماموران دادستانی از بازداشت علی اکبر جوانفکر منع شدند.

شایان توجه است که فردای درگیری این روزنامه با تیتراژ سفید منتشر شد، یکی از روزنامه نگاران روزنامه ایران در ویلاگ شخصی خود با اشاره به تیتراژ سفید مطبوعات "که با فشار مسئولین حذف شد و در نتیجه این امر روزنامه ایران با تیتراژ سفید انتشار یافت افزود ویژه نامه ای با نام "دست‌های آلوده" در مورد اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در این شماره در حال منتشر شدن بود که از انتشار آن جلوگیری شد.

در ادامه برخورد با اهالی مطبوعات، بازداشت شدگان روزنامه شرق علی خدابخش مدیرعامل سابق، احمد غلامی سردبیر سابق، کیوان مهرگان دبیر سابق گروه سیاسی و فرزانه روستایی دبیر سابق گروه سرویس خارجی روزنامه شرق در ۱۶ آذر ماه سال گذشته روز یکشنبه ششم آذر ماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی محاکمه شدند.



موج تازه تحریم ها پیش بینی انزوای بی سابقه

جرس: گزارش تازه آژانس بین المللی انرژی از فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی، به قدرت های جهانی مجال تازه ای برای تشدید تحریم ها علیه ایران داده است. در گزارش تازه آژانس اطلاعاتی مورد استناد قرار گرفته که نشان از انحراف فعالیت های هسته ای ایران به سمت ساخت سلاح اتمی دارد.

ایالات متحده و برخی قدرت های غربی گفته اند که برای مجازات ایران موجی تازه از تحریم ها را علیه این کشور اعمال خواهند کرد. چین و روسیه با تشدید تحریم ها مخالفت کرده اند و به همین دلیل این بار تحریم ها نه متکی به قطعنامه ای در شورای امنیت سازمان ملل بلکه از ناحیه قدرت های غربی و به صورت یکجانبه و چند جانبه اعمال می شود. دیپلمات ها می گویند که موارد پیشنهادی برای دور جدید تحریم ها می تواند ضربه های اساسی تری به اقتصاد شکننده ایران وارد کند، با این حال "محمود احمدی نژاد" رییس دولت دهم گفته که جمهوری اسلامی از اهداف هسته ای اش عقب نشینی نمی کند.

اتلاف برای تحریم

تدابیر قدرت های غربی برای اعمال دور تازه ای از تحریم ها علیه ایران در شرایطی علنی می شود که طی هفته های اخیر گزارش های رسانه ای متعددی از احتمال حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته ای در ایران منتشر شده بود. مقام های دیپلماتیک می گویند که همراهی کشورهای غربی برای اعمال تحریم های تازه می تواند به مثابه تلاشی برای جلوگیری از یک درگیری نظامی در منطقه تلقی شود. آمریکا به صراحت از متحدان خود خواسته است که به تشدید تحریم ها پاسخ مثبت دهند. این کشور خود در نخستین گام "هرگونه تبادل بازرگانی با ایران را برای شرکت ها و شهروندان آمریکایی ممنوع کرده و نام تعدادی شرکت های ایرانی مظنون به همکاری در برنامه هسته ای را به لیست سیاه وزارت خزانه داری اضافه کرده تا دارایی های آنها در آمریکا توقیف شود." مقام های دیپلماتیک می گویند که واشنگتن در این مرحله به دنبال تحریم های جدید شامل بخش پتروشیمی و تشدید تحریم های قبلی بخش گاز و نفت ایران است.

در میان متحدان ایالات متحده، دولت انگلیس فاز بی سابقه ای از تحریم ها را به اجرا گذاشته است. این کشور اعلام کرده که تمامی روابط مالی با بانک های ایرانی، از جمله بانک مرکزی این کشور را قطع خواهد کرد. "جرج اوزبورن"، وزیر خزانه داری بریتانیا، در این خصوص گفته: "ما این تصمیم را به دلیل مدارک موجود گرفته ایم که براساس آنها مشخص شده بانک های ایرانی در برنامه هسته ای نظامی ایران مشارکت داشته اند."

یکی دیگر از مهم ترین اقدام ها در زمینه تشدید تحریم ها از سوی "نیکولا سارکوزی" رییس جمهوری فرانسه صورت گرفته است. او هفته گذشته طی نامه ای به رهبران آمریکا، بریتانیا، آلمان، اتحادیه اروپا، کانادا و ژاپن مجموعه ای از پیشنهادهای خود برای تحریم های تازه را مطرح کرد. بر اساس گزارشهای رسانه ای، "فرانسه به اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، ایالات متحده، ژاپن و کانادا و کشورهای دیگر پیشنهاد کرده تا فوراً در خصوص مسدود کردن دارایی های بانک مرکزی ایران و توقف خرید نفت این کشور تصمیم بگیرند. این در حالیست که برنار والرو، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در بیانیه ای در وبسایت این وزارتخانه گفت: "اخلال در برنامه خرید نفت ایران، یکی از پیشنهادهایی است که فرانسه به متحدان خود پیشنهاد کرده است. ما به طور یکجانبه این تحریم ها را در سطح ملی به اجرا می گذاریم و رایزنی های خود برای متقاعد کردن دیگر کشورها را دنبال خواهیم کرد."

وزیر امور خارجه هلند هم اعلام کرده است که این کشور می خواهد دامنه تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران را گسترش دهد و به قصد متوقف کردن جریان های مالی مشخص، محدودیت هایی را برای بانک مرکزی ایجاد کند. دولت کانادا نیز گفته که در چارچوب بخشی از یک بسته تحریمی علیه ایران، صادرات کلیه تجهیزات و کالاهایی را که در صنعت پتروشیمی، نفت و گاز کاربرد دارند ممنوع می کند. وزیر خارجه جدید ایتالیا هم با اعلام حمایت کامل از تحریم های جدید وضع شده علیه جمهوری اسلامی، خواستار فشارهای بیشتر جامعه بین الملل به خاطر برنامه هسته ای ایران شده است. مجموعه این اقدام ها در حالی صورت می گیرد که اتحادیه اروپا قرار است در نشست اول دسامبر خود موضوع گسترش دامنه های تحریم خود به ۲۰۰ شخصیت و شرکت دیگر ایرانی را مورد بررسی و احتمالاً تصویب قرار دهد.

واکنش تهران به تحریم ها

مقام های جمهوری اسلامی در موضع گیری های خود با حالتی از اعتماد به نفس مدعی بی اهمیت بودن تحریم ها شده اند. "محمود احمدی نژاد" رییس دولت دهم طی یک سخنرانی با توصیف آمریکا به "ارباب بزرگ" و اروپا به "نوپه های" آن گفت: "آن ارباب بزرگ حرفی می زند و نوپه هایش دنبال حرفش را می گیرند. می گویند می خواهیم ارتباطات بانکی خود را با ایران کاهش دهیم یا قطع کنیم. دولت آمریکا ۳۲ سال است با ما رابطه ای ندارد؛ تا دیروز با هم کار نمی کردیم، حالا هم کار نمی کنیم امروز مثل دیروز مثل پریروز. "احمدی نژاد همچنین با اشاره به تهدید بسیاری از کشورهای دیگر برای قطع رابطه با بانک مرکزی ایران افزود: "شما از گذشته نیز همین کار را می کردید. می خواهید ادامه دهید؟ خیال کردید دنیا شهر هرت است."

علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی نیز در سخنانی از واکنش متقابل تهران به تحریم های غرب سخن گفته و مدعی شده که "مجلس شورای اسلامی اقدام انگلیس و سایر کشورهای غربی را در تحریم های جدید بی پاسخ نمی گذارد." او گفته "اقدام کشورهای غربی در تحریم های جدید علیه کشور مسبوق به سابقه است و همانند گذشته بر اراده ملی در خصوص پرونده هسته ای تأثیری نخواهد داشت."

همزمان با این اظهارات، مجلس شورای اسلامی در جلسه چهارشنبه-۲ آذر- دو فوریت طرح کاهش روابط با بریتانیا را به تصویب رساند که بر اساس آن وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ملزم می شود هرچه سریعتر روابط سیاسی خود را با بریتانیا به سطح کاردار تنزل دهد و روابط اقتصادی و تجاری با این کشور را به حداقل برساند.

پیامد فشارهای تازه

درباره پیامدهای اعمال تحریم های تازه علیه جمهوری اسلامی تحلیل های متفاوتی به چشم می خورد. بسیاری از ناظران می گویند که تحریم صنایع مرتبط با نفت و پتروشیمی می تواند به افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی منجر خواهد شد. "رتسن فریتش"، کارشناس کامرزنیک هفته گذشته در این ارتباط گفت: "با تشدید فشار بر ایران خطرات ژئو پولیتیک افزایش یافته است و این امر خطر اخلال در روند عرضه نفت را، چه عرضه مستقیم نفت توسط ایران یا از طریق بسته شدن تنگه هرمز که یک سوم نفت دریایی از آن عبور می کند، افزایش می دهد. به گفته او سرمایه گذاران نگران هستند که حمله علیه تاسیسات هسته ای ایران، عرضه نفت این کشور، که دومین کشور صادر کننده نفت اوپک است، را متوقف کند و تردد نفتکش ها از تنگه هرمز دچار وقفه شود. با این وجود کارشناسانی هم هستند که می گویند در صورت تحریم نفت ایران، بازار جهانی شاهد شوک قیمت نخواهد بود.

"کوئتر اوتینگر" کمیسر انرژی اتحادیه اروپا روز چهارشنبه-۲ آذر- در واکنش به گزارش هایی در مورد اخلال در تامین انرژی اروپا در صورت تحریم نفت ایران گفت که "این مسئله مشکل خاصی نیست." او تأکید کرد که: "می توان با کمک سازمان کشورهای صادر کننده نفت، اوپک و دیگر منابع، جای خالی انرژی مورد نیاز را پر کرد." در مجموع نیز تحلیل مقام های غربی این است که تشدید تحریم ها به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی منجر خواهد شد و ریسک سرمایه گذاری و استمرار برنامه هسته ای را برای تهران بالا خواهد برد.

"تاماس دونیلون" مشاور امنیت ملی اوباما هفته گذشته در همین ارتباط گفت: "فشار تحریم ها رهبران ایران را از نظر اقتصادی دچار ضعف و انزوا کرده و سبب تشدید اختلافات داخلی شده است. او پیش بینی کرد که ضربه بعدی به ایران با سقوط رژیم بشار اسد اتفاق می افتد که هم اکنون در برابر خیزش مردم سوریه قرار گرفته است. "دونیلون" روز سه شنبه-اول آذر- در سخنرانی در موسسه بروکلین گفت: "ایران با کمک های هنگفتی که به رژیم سوریه کرده و با سرکوب خشنی که علیه مردم ایران انجام داده در چشم مردم سوریه بی اعتبار شده است." وی گفت: "انزوای ایران در میان دنیای عرب عمیق تر شده است."

ارزیابی ها درباره تضعیف نقش منطقه ای جمهوری اسلامی در شرایطی است که "سعود الفیصل"، وزیر خارجه عربستان سعودی روز چهارشنبه-۲ آذر- در سخنانی ضمن هشدار به ایران بابت دخالت در امور همسایگان گفت که برنامه اتمی جمهوری اسلامی می تواند به بی ثباتی در منطقه منتهی شود. مقام های دیپلماتیک با اشاره به شدت یافتن تنش ها میان ایران و کشورهای منطقه طی ماه های اخیر می گویند که تحریم های تازه قدرت های جهانی علیه برنامه هسته ای جمهوری اسلامی با حمایت بی سابقه ای از سوی کشورهای منطقه روبروست و این اجماع بر سر تحریم ها نمایانگر تضعیف و تزلزل قدرت منطقه ای تهران است.